

هریت تیلور میل



رساله‌های بانوان در تاریخ فلسفه

هلن مک کیب

فاطمه نوروزی

www.ketab.ir



سرشناسه	مک کیب، هلن، ۱۹۹۱-م.
عنوان و نام پدیدآور	هریت تیلور میل: رساله‌های بانوان در تاریخ فلسفه/ هلن مک کیب؛ مترجم فاطمه نوروزی.
مشخصات نشر	تهران: نشر جمهوری، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۱۳۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۷۳-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
شناسه افزوده	نوروزی، فاطمه، مترجم
ردیف کتابخانه	HQ۱۵۹۵/م۹
رده یکتا	۳۰۵/۴۲۰۹۲
شماره کتابشناسی	۹۵۶۰۵۲۳

www.ketab.ir

Harriet Taylor Mill

• هریت تیلور میل

هلن مک کیب

نشر: جمهوری، چاپ اول ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۷۳-۵

دبیر مجموعه: آزاده زارع

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج

طراحی جلد: مریم یکتائی پروچنی

ویراستار: الهه باقری سنجرینی

صفحه آرای: تحریریه جمهوری

حق چاپ برای ناشر محفوظ میماند

نشر
جمهوری

دفتر و فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، فخر رازی، شهدای ژاندارمری غربی، تهران ۸۸

تماس: ۰۹۱۹۱۹۹۳۷۹۶-۰۲۱۶۶۴۸۵۱۱۴

فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰

تماس: ۰۲۱۳۳۹۳۰۳۹۰

🌐 jomhooripub.com

📷 [jomhooripublication](https://www.instagram.com/jomhooripublication)

✉ nashre.jomhoori@gmail.com

فهرست

۹	مقدمه ناشر
۱۵	مقدمه
۲۹	۲ آزادی، فردیت و رواداری
۴۲	۳ ازدواج، رابطه و طلاق
۵۸	۴ جنسیت و پدرسالاری
۶۹	۵ حقوق زنان
۸۴	۶ سوسیالیسم
۱۰۲	۷ اخلاق و دین
۱۱۵	۸ نتیجه گیری
۱۲۵	فهرست منابع
۱۳۰	نمایه

www.ketab.ir

مقدمه ناشر

«کاویدن»! این چیزی است که انسان را از سایر موجودات جهان متمایز می‌کند. ما به شکلی خستگی‌ناپذیر از لحظه تولد با کنجکاوی هرچه تمام‌تر در کار کاویدن هستی هستیم. نه همچون بره‌ای که در پی علف تازه است و نه مانند شاهینی که بال به پهنه آسمان می‌ساید و زمین را می‌کاود به دنبال شکار! ما از سر نیازهای زیستی، برای بقا نمی‌کاویم. کاوشگری ما ناشی از میل سیری‌ناپذیر ما برای دانستن. انسان خستگی‌ناپذیر است از نخستین روز پیدایش در کار شناختن تمام ارکان هستی است. او در هر هستی هرآنچه به چشم می‌بیند یا حتی آنچه تنها نشانه یا امکانی برای وجودش دارد «پرسش» آغاز می‌کند و دست به کار جست‌وجو می‌شود. و سراسر جهان چقدر است؟ چند گونه از پرندگان در قطب زندگی می‌کنند؟ آیا کشتن یک انسان خطاست؟ اگر هیچ‌کس هرگز نمی‌مرد چه اتفاقی می‌افتاد؟ هستی چگونه بوجود آمده است؟ چه چیزهایی زیبا هستند؟ اگر خدا وجود نداشته باشد زندگی ما بی‌معنا می‌شود؟ آیا می‌توانیم جهان و پدیده‌های آن را بشناسیم؟

این پرسش‌ها در دو گستره دانش مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ علم (ecneicS) که با تکیه بر مشاهده و آزمایش پاسخ‌هایی برای پرسش‌های حاصل از واکاوی جهان عینی به دست می‌دهد و فلسفه (yhposolihP) که با تأمل و اندیشه درباره آنچه علم در

پاسخگویی بدان ناتوان است چراغ راه بشر می شود.

اما فلسفه چیست؟ (yhposolihP) دوست‌داری دانش یا «خرد دوستی» واژه‌ای یونانی متشکل از دو خُردواژه (solihP) دوست‌داری و (aihpoS) دانش است. تصور می‌شود این واژه نخستین بار توسط فیثاغورث (۷۵۰ پیش از میلاد) به کار گرفته شده است اما این افلاطون بود که فلسفه را در معنای امروز آن به کار برد. اگر دانشمند را فردی بدانیم که در تلاش برای شناخت عناصر ریز و درشت جهان فیزیکی است، فیلسوف سودای دستیابی به حقایق جهان‌شمول را در سر دارد. حقایقی که هر انسان اندیشمندی در هر مکان و زمانی آن را بپذیرد. از این روست که به گفته اریک متیوز، «فیلسوف وطنی ندارد». او در تلاشی پایان‌ناپذیر از دانشی که دانشمندان بدان دست‌یافته‌اند و اندیشه‌ای که پرورده فیلسوفان پیش از خود بوده است برای ارتقای اندیشه خویش درباره موضوعات اساسی مورد پرسش بهره می‌گیرد. پرسش‌های تازه طرح می‌کند، اندیشه‌های موجود و ممکن را به سنجش می‌گذارد و آنگاه که به پاسخ رسید، پرسش‌های دیگری می‌آفریند. به همین دلیل است که تا انسان وجود دارد فلسفیدن متوقف نخواهد شد.

این امر اما به آن معنا نیست که فلسفه تنها به گروه خاصی از مردم و البته، به گوشه کتابخانه‌ها یا تالارهای دانشگاه تعلق دارد. تمام تلاش فلسفه این است که با یافتن پاسخ‌های معقول‌تر برای پرسش‌های اساسی فراروی بشر، زندگی سعادتمندتر و آرام‌تری را برای همگان امکان‌پذیر کند. فلسفه می‌خواهد بداند انسان چگونه سعادتمند می‌شود و چگونه می‌توان در دستیابی به سعادت یاری‌گر او بود. بنابراین، فلسفه در بستر جامعه شناور و بر تمامی کنش‌ها و انفعالات ما تأثیرگذار است. افراد عادی، بی‌آنکه آگاه باشند مانند فیلسوفان از خود می‌پرسند آزادی چیست؟ آیا تحقق برابری موجب خوشبختی خواهد بود؟ آیا موجوداتی مانند جن وجود دارند؟

بنابراین، مردم عادی نیز اگرچه نه به موشکافی و دقت نظر یک فیلسوف اما همواره دست اندرکار «فلسفیدن» هستند. با این تفاسیر مطالعه آثار فیلسوفان می تواند به بسیاری از پرسش هایی که با آن دست و پنجه نرم می کنیم پاسخ دهد و یا دریچه تازه ای به روی اندیشه مان بگشاید.

با وجود ترجمه بسیاری از کتاب های برجسته فلسفه، مشاهده زبان تخصصی و دشواری در درک مباحث طرح شده افراد را از مطالعه دلسرد و منصرف می کند. در راستای رفع همین اشکال اراده قابل توجهی برای تهیه آثار قابل فهم تر و ساده سازی متون فلسفی به منظور استفاده افراد نا آشنا با فلسفه در میان ناشران شکل گرفته است.

انتشارات جمهوری نیز با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه فلسفه در جامعه یادآورنده عصر حاضر در میان تازه ترین آثار خود مجموعه ای را به فلسفه اختصاص داده است. این مجموعه دربرگیرنده مضامینی همچون زنان در تاریخ فلسفه، نخستین و تأثیرگذارترین فیلسوفان زن، چگونگی فلسفی خواندن و فلسفی شدن، آغاز فلسفه آموزی برای مبتدیان و فلسفه کاربردی است.

امید است این مجموعه راهنمایی برای علاقه مندان به فلسفه و تمرینی برای مطالعه و فهم متون پیچیده فلسفی باشد. و مهم تر از همه باشد که خواندن این متون جرقه ای روشنگر اندشیدن شود که به گفته برتراند راسل «اندیشه، انقلاب می کند، از تخت به زیر می کشد و نابود می سازد».

انتشارات جمهوری

هریت تیلور میل، در تاریخ فلسفه سیاسی، علم اخلاق، علم اقتصاد و علم سیاست، شخصیتی است که کمتر به او توجه کرده‌اند. او زیر سایه شهرت جان استوارت میل قرار داشت که در کار نوشتن همکاریش بود و بعدها همسرش شد.

هریت تیلور میل و جان استوارت میل بسیار جوان بودند که با هم آشنا شدند (تیلور میل بیست و دو ساله بود) و بیش از ربع قرن با هم نوشتند، از این رو، تمیز نوشته‌هایشان چندان ساده نیست، شاید بهتر باشد بیشتر آثار میل را از آن هر دوی ایشان بدانیم. تیلور میل در نوشتن تعدادی از آثار بسیار مشهور مانند درباره آزادی به میل کمک فکری کرده است و اندیشه، تأثیر و میراث او ارزش پیگیری دارد. این کتاب سهم او را در نظریه سیاسی، علم اخلاق، اقتصاد سیاسی و اصلاحات سیاسی بررسی خواهد کرد و به تحلیل خلاصه و دقیق آثار او و میل (از قبیل دست‌نوشته‌هایی که در زمان حیاتش منتشر نشد و مکاتباتش) نزدیک می‌شود و نیز شرح میل را از رابطه‌شان در کار نوشتن همکارانه می‌کاود.

مقدمه

هریت تیلور میل^۱، در تاریخ اندیشه سیاسی تا اندازه‌ای شخصیتی فراموش شده است، هرچند کتاب حق رأی زنان^۲ باید در تاریخ فمینیسم جایگاهی عایدش می‌کرد و البته جستار کوتاه (منتشر نشده) او با عنوان در باب ازدواج^۳ (۱۸۳۳)، و مقالاتی که با همکاری جان استوارت میل^۴ (۵۱-۱۸۴۶) درباره خشونت خانگی (به دست شرکای عاطفی، والدین و کارفرماها) و دیگر موارد سوءاستفاده از قید تن‌فروشی نوشت. رابطه عاشقانه و نوشتن مشترک با استوارت میل که منجر به انتشار مقالات متعددی در روزنامه شد، میراث او را تحت الشعاع خود قرار داد. در واقع، به گفته میل، او و تیلور میل کل درباره آزادی را با هم نوشتند. با توجه به شهرت و اهمیت اثر بنیادی لیبرال، تیلور میل می‌بایست در آثار معیار نظریه سیاسی بسیار بیش از حد به رسمیت شناخته می‌شد. او حامی ثابت قدم آزادی فردی و لزوم رشد آزادانه فردیت بود، مادام که فرد موجب تیره‌بختی دیگران نشود. او در خصوص روابط شخصی، حقوق مدنی و اقتصاد سیاسی برابری خواه و آزادی‌خواهی پرشور بود. درک او از خوشبختی غنی و متفاوت بود و پیرامون علم اخلاق، فلسفه سیاسی، دین و اقتصاد، مقالات روشنگر و جالب‌توجهی نوشت. گرچه نویسندگان متأخر از برخی استدلال‌ها و دیدگاه‌های او پیش افتاده‌اند، اما ملاحظات بنیادی او همچنان مطرح هستند.

1. Harriet Taylor Mill
2. The Enfranchisement of Women
3. On Marriage
4. John Stuart Mill

بخش‌های اصلی این کتاب، عناصر مختلف کار و دستاورد فلسفی تیلور میل را بررسی خواهد کرد. بعید به نظر می‌رسد او برای بیشتر خوانندگان چندان آشنا باشد، از این‌رو، در ادامه این مقدمه از زندگی و کار او شرح مختصری ارائه خواهیم کرد.

هریت تیلور میل را با این نام نمی‌شناختند. نام تولد او هریت هاردی^۱ بود، بعدتر هریت تیلور و پس از مرگ همسرش هریت میل نام گرفت. (مطابق با رسم آن زمان، او را دوشیزه هاردی، سپس خانم جان تیلور و و پس از آن، خانم جان استوارت میل می‌نامیدند.) اما نام تیلور میل کمک می‌کند تا او را از دو همسر و دخترش، هلن تیلور^۲ (که او نیز کنشگر فمینیست و فعال سیاسی بود) متمایز کنیم.

تیلور میل در تاریخ ۸ اکتبر ۱۸۰۷ در لندن چشم به جهان گشود. پدرش اصالت یورکشایر^۳ داشت و پزشک زنان (یا آن‌گونه که در گواهی تولد تیلور میل ثبت شده است، «مرد قابل»^۴) بود. او چهار برادر و یک خواهر داشت و مانند بسیاری از زنان طبقه متوسط آن دوران، در خانه درس خواند. چند زبان آموخت، در موضوعات وسیعی چون تاریخ، ادبیات و فلسفه مطالعه کرد و در جریان وقایع جاری قرار داشت. در ۱۴ مارس ۱۸۲۶، در سن هجده سالگی، زندگی مشترک خود را با جان تیلور^۵ که یازده سال از او بزرگتر و عمده‌فروش دارو یا «فروشنده مواد شیمیایی» بود، آغاز کرد.^۶ جان تیلور نیز نظرات رادیکال و «آزاداندیشه‌ای» داشت و در سال ۱۸۳۶، یکی از بنیان‌گذاران باشگاه اصلاح‌طلبان^۷ بود (که به‌عنوان ستاد حزب لیبرال و محفلی برای رادیکال‌ها و آزادی‌خواهانی اختصاص یافت که حامی اصلاحات بزرگ^۸

1. Hardy

2. Helen Taylor/م

3. Mill-Taylor Archive, London School of Economics Library Archive and Special Collections, Box III.

4. John Taylor

۵. بنگرید به هاپک، جان استوارت میل و هریت تیلور، ۲۴.

6. Reform Club

7. Great Reform Act

سال ۱۸۳۲ بودند) و در وقایع دانشگاه جدید لندن نیز دخالت داشت.^۱

تازه عروس و داماد با محافل رادیکال رفت و آمد داشتند، به خصوص اجتماع آزاداندیشان وزیر یکتا باور^۲، ویلیام جانسون فاکس^۳. آن دو در دوره‌ای نسبتاً کوتاه صاحب سه فرزند شدند: هربرت^۴ (۱۸۲۷)، الجرن^۵ (۱۸۳۰) و هلن (۱۸۳۱). از نامه‌های به‌جامانده می‌توان پی برد که دست‌کم تیلور میل بسیار عاشق و در زندگی زناشویی‌اش سعادتمند بوده است. شعر و مقالات انتقادی ادبی می‌نوشت، از جمله بر کتاب‌هایی در باب سیاست معاصر. هرچند نوشته‌های نخستین او در باب حقوق زنان که باقی مانده‌اند پس از این دوران نوشته شده‌اند، اما احتمالاً همان زمان هم به مقولات مربوط به تحصیل زنان، آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر سوءاستفاده و سلطه‌طلبی والدین و همسرانشان، و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایشان علاقه‌مند بوده است.^۶ همین موضوع آخر بود که جان استوارت میل را در مسیر او قرار داد، احتمالاً در تابستان سال ۱۸۳۰.^۷

میل که همان زمان هم نویسنده رادیکال و مشهوری بود که در باب حق رأی زنان با پدرش جیمز میل^۸ اختلاف نظر داشت، نظرگاه‌های متنوعی را جدا از فایده‌گرایی رادیکالی می‌کاوید که در بطن آن چشم‌گشوده بود و به‌گونه‌ای تربیت شده بود که مدافع آن باشد.^۹ این امر تا اندازه‌ای حاصل چیزی بود که میل بعدها از آن با عنوان: «بحرانی در تاریخچه روانی من» یاد می‌کرد،^{۱۰} به تشخیص خودش دستیابی به تمام اصلاحاتی که برایشان می‌جنگید موجب سعادت شخص خودش نمی‌شد. حتی بدتر، احساس می‌کرد تحصیل او

۱. همان.

2. Unitarian

3. William Johnson Fox /م

4. Herbert

5. Algernon

۶. همان، ۲۶

۷. همان، ۷-۳۶، ۲۳.

8. James Mill /م

۹. میل، زندگینامه خودنوشت، ۹۱-۱۳۷، ۱۰۷.

۱۰. همان، ۸-۱۳۷.

را فاقد هرگونه توان عاطفی معناداری به حال خود واگذاشته است. باور به برنامه آموزشی، سیاسی و اخلاقی پدرش و جرمی بنتام^۱ در او رو به ضعف می گذاشت و سرخورده اش می کرد. در این میانه، خواندن اشعار ساموئل تیلور کالریج^۲ به بهبودی اش کمک کرد و باعث شد ژرف اندیشانه به نظرگاه های سیاسی مختلفی بپردازد، از محافظه کاری کالریج و توماس کارلایل^۳ گرفته، تا سوسیالیسم سن سیمونی^۴، تا رادیکالیسم یکتا باور حلقه پیرامون فاکس.

در این دوره، از ازدواج تیلور میل ۶ سال می گذشت. بعدها میل بر این نکته پا می فشرد که زمان بسیاری تا «صمیمی شدن» رابطه شان مانده بود، اما بی تردید از همان دیدار نخست کششی به یکدیگر داشته اند.^۵ طولی نکشید که به صراحت درباره ازدواج اظهار نظر می کردند، و میل نامه های خود را خطاب به «او که زندگی ام متعلق به اوست» می نوشت.^۶ بعدها میل به یاد می آورد که شاید به گمان مردم، فمینیسم تیلور میل او را به حامی حقوق زنان بدل ساخته، اما بیشتر عقاید فمینیستی خودش او را در چشم تیلور میل شخصیتی جذاب کرده بود.

در گذر پاییز ۱۸۳۳ همه چیز به اوج رسید. جان تیلور با متارکه موقت موافقت کرد و تیلور میل فرزندانش را به پارک میل (پس از خودکاوای هر دو طرف، با توجه به اینکه این اقدام مستلزم از خودکشی هر دو بود)

1. Jeremy Bentham(1748-1832)

فیلسوف، حقوقدان و اقتصاددان انگلیسی، بنیانگذار فایده گرایی.

2. Samuel Taylor Coleridge(1772-1834)

شاعر انگلیسی که به همراه ویلیام وردزورث از بنیان گذاران مکتب رمانتیسم بود. م.

3. Thomas Carlyle(1795-1881)

فیلسوف، تاریخ نگار و نویسنده اسکاتلندی

4. Saint-Simonians

هواداران کلود هنری سن سیمون، فیلسوف و عالم اجتماعی و سیاسی، پایه گذار نهضت سوسیالیستی در قرن نوزدهم. ام.

۵. همان، ۱۹۳.

۶. میل، در باب ازدواج، ۳۷.

۷. میل، زندگینامه خودنوشت، ۲۵۳.

به آن‌ها ملحق شد.^۱ بی‌نهایت خوشبخت بودند.^۲ اما در آن زمان طلاق ممکن نبود و هر دو می‌دانستند که مسبب شوربختی بسیار جان تیلور شده‌اند.

درنهایت، تصمیم به سازشی فایده‌گرایانه گرفتند تا بیشترین سعادت را برای بیشترین افراد، از جمله همسر تیلور میل و فرزندان‌شان، تضمین کنند. هریت به لندن بازگشت تا با تیلور زندگی کند، اما آن‌گونه که خودش صریحاً گفته است «برای هر دو مرد بیش از سایه یک دوست» (یک «هم‌صحبت») نبود.^۳ او حاضر به چشم‌پوشی از «آزادی عقیده» نشد،^۴ و دیدار پیاپی با استوارت میل را از سر گرفت و با او به خارج از کشور نیز سفر کرد. در ژوئن ۱۸۳۴، تیلور میل به خانه خود در کستون هیث^۵ نقل مکان کرد و پس از مدتی نسبتاً کوتاه توافق اولیه زیرورو شد.^۶ به نظر می‌رسد چون ظاهراً خانواده تیلور میل (سوی فرزندان‌شان) خبر نداشتند که او دیگر با شوهرش زندگی نمی‌کند مثلاً تمام نامه‌هایشان را به آدرس شوهرش می‌فرستادند.^۷ این موضوع بیشتر رازی سر به مهر میان‌هم بود به‌طور کلی، ظاهراً رابطه تیلور میل با همسرش مهرآمیز باقی ماند؛ چون در کستون هیث تولدها و کریسمس خانواده دور هم جمع می‌شدند و تیلور میل نامه‌هایش را خطاب به «جان عزیزم» می‌نوشت.^۸ به لندن هم که می‌رفت نزد تیلور اقامت می‌کرد.

دوران عاشقی او و میل خوب پیش نمی‌رفت و از قرار معلوم تیلور میل این وضعیت را چندان بی‌اشکال نمی‌دید. در نامه‌ای، احتمالاً به تاریخ ۱۸۳۴، می‌نویسد: «سعادت برای من به واژه‌ای بی‌معنا بدل شده است»، و در نامه

۱. بنگرید به میل، نامه ۸۴، خطاب به توماس کارلایل، ۵ سپتامبر ۱۸۳۳، CW XII، ۵-۱۷۴ و میل، نامه ۸۹، خطاب به ویلیام جانسون فاکس، ۵ و ۶ نوامبر ۱۸۳۳، ۹۰-۱۸۵.

۲. میل، نامه ۸۹، ۹۰-۱۸۵.

۳. بنگرید به هایک، جان استوارت میل و هریت تیلور، ۵۶.

۴. میل، نامه ۸۹، ۱۸۶.

5. Keston Heath

۶. بنگرید به جیکوبز، «گاهشماری»، xlii.

۷. البته درباره‌ی رابطه‌ی میل و تیلور میل شایعه‌هایی هم بر سر زبان‌ها بود. بنگرید به هایک، جان استوارت میل و هریت تیلور، ۹۰-۷۹.

۸. برای نمونه بنگرید به تیلور میل، مجموعه آثار، ۴۴۲.

۹. بنگرید به میل، زندگینامه خودنوشت، ۲۳۷، و نیز شواهد موجود در نامه‌های تیلور میل.

دیگری، احتمالاً مربوط به سال ۱۸۳۵، به «رنجشی ناچیز» اشاره می‌کند که «نه تنها برای بدن، بلکه برای ذهن نیز فرساینده و دلسردکننده» بود که [به گفته خودش] «به علت رابطه‌مان» دچارش بود، اما استوارت میل چنین نبود.^۱ از قرار با اینکه توافق میانشان بر جای خود بود، اما دست‌کم در آغاز شکننده می‌نمود: تیلور میل حسرت رابطه‌ای تمام‌وکمال با میل را داشت، اما «تردید دارم از تنها فرصت ممکن برای «سودمندی» که «تکلیف شمرده می‌شود، دست بردارم، آن‌هم به خاطر خوشی خودم.» او می‌گوید: «باید زندگی چهار نفر را تباه کنم [یعنی همسر و سه فرزندش] و به دیگران آسیب برسانم [یعنی خانواده‌اش].^۲ اکنون به دلخواه اطرافیانم هستم و کسی را اندوهگین نمی‌کنم؛ و خودم هم خوشحالم، هرچند نه چندان».^۳

به نظر نمی‌رسد تیلور میل در سال‌های پایانی دهه ۱۸۳۰ یا چند سالی در دهه چهل با هدف انتشار مطلبی نوشته باشد. جز تعدادی نامه، تنها نوشته‌ای که از او مانده روزی هشتاد و یک روز از بهار ۱۸۳۹ است که همراه با میل و فرزندانش به سفر اروپا رفته بود. در این دوره چند قطعه بی‌تاریخ در دست‌نویس‌هایش هست که احتمالاً مربوط به همین دوره باشد، و ممکن است در نوشتن نامه منتشرنشده میل در خصوص «خیانت و بی‌وفایی»^۴ مربوط به سال ۱۸۴۲ سهیم بوده باشد.^۵ احتمالاً با بزرگ‌کردن فرزندانش مشغول بوده است: پسرهایش به مدرسه می‌رفتند، اما دخترش هلن در خانه درس می‌خواند. شرایطش او را از بیشتر محافل دور کرده بود، به هر جهت گویا خودش هم تمایلی به حضور در آن‌ها نداشته است. به میل می‌نویسد: «می‌دانم دنیا چگونه است و ذره‌ای تمایل ندارم با آن روبه‌رو شوم یا تملقش را بگویم»، و به جان تیلور که جزو مهمانان ویژه کریسمس بود، می‌نویسد، «یک جمع

۱. تیلور میل، مجموعه آثار، ۳۰-۳۲۹.

۲. قلاب‌ها از نویسنده است. / م.

۳. همان، ۳۳۲.

۴. همان، ۵-۱۷۰.

۵. همان، ۳۴۰.

بسیار کوچک بیشتر مطلوب من است»^۱.

به‌رغم این، میل به یاد می‌آورد که «در سال‌های بسیار دوستی پنهانی» در دهه‌های سی و چهل خوش‌تر بوده‌اند، «تمام نوشته‌های منتشرشده من همان‌قدر که از آن من هستند متعلق به او نیز هستند؛ سال‌ها که می‌گذشت سهم او مدام افزایش می‌یافت» زیرا:

وقتی نظرات و گمانه‌زنی‌های دو فرد یک‌سره به هم شبیه باشد؛ وقتی این دو در زیست روزمره درباره تمام مباحث روشن‌فکرانه یا اخلاقی گفت‌وگو کنند، و بسیار ژرف‌تراز آنچه غالباً یا به شیوه متعارف موجود در نوشتاری که برای خوانندگان عام نوشته می‌شود، کندوکاو کنند؛ وقتی اصول مشابهی را طرح کنند و با روش‌هایی که مشترکاً دنبال کرده‌اند به نتایج مختص خود برسند، این پرسش که اساساً چه کسی بکم به دست می‌گیرد چندان اهمیتی ندارد... نوشتار حاصل کار مشترک هر دو نفر است.^۲

در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ میلادی پیش‌ازپیش نویسنده مشهوری می‌شد. نخستین کتاب پرفروشش نظام منطق^۳ (۱۸۳۳) بود. کتاب دوم و موفق او اصول اقتصاد سیاسی^۴ (۱۸۴۸) بود که به‌گفته‌ی نخستین اثر اوست که تیلور میل «سهم چشمگیری» در آن داشته است.^۵ پیشهاد تیلور میل افزودن فصل مهمی از این کتاب («در باب آینده احتمالی طبقه کارگر») و تمایزی که این فصل میان وابستگی و استقلال کارگران بررسی می‌کند، بوده است. او همچنین بر «محتوای» کلی کتاب و تلاش در ساده‌سازی این نکته تأثیر داشت که قوانین تولید تا حد زیادی از طریق حقایق انکارناپذیر درباره جهان

۱. همان، ۴۹۰، ۳۳۳. البته با توجه به اینکه رابطه‌ی غیرمعمول تیلور میل با همسرش و با میل باعث طرد او از جامعه شده بود، این بهانه چیزی مثل «گرچه دستش به گوشت نمی‌رسد می‌گوید بو می‌دهد» باشد. هرچند، ظاهراً این امر که تیلور میل جمع‌های کوچک و زندگی آرام را ترجیح می‌داد پس از ازدواجش با میل نیز پابرجا ماند.

۲. میل، زندگینامه خودنوشت، ۲۵۱.

3. System of Logic

4. Principles of Political Economy

۵. همان، ۲۵۵.

6. On the Probable Futurity of the Labouring Classes

«مقرر شده‌اند» (برای نمونه، ماهیت محدود برخی منابع)، اما قوانین توزیع ساخت انسان هستند، و بدین سبب قابل تغییر و منوط به ملاحظات قانون. جان تیلور با تصمیم میل مبنی بر تقدیم کتاب اصول اقتصاد سیاسی به تیلور میل مخالفت می‌کند، اما میل در چند نسخه‌ای که به دوستان می‌دهد به نقش تیلور میل اشاره می‌کند.^۱

بین سال‌های ۱۸۴۶ و ۱۸۵۱ (فاصله بین نوشتن و انتشار نخست اصول اقتصاد سیاسی (۸-۱۸۴۷) و کار روی ویراست دوم آن (۱۸۴۹))، تیلور میل و میل مشترکاً برای روزنامه مورنینگ کرانیکل^۲ مجموعه مقالاتی را نیز می‌نویسند، عموماً درباره موضوعاتی پیرامون بی‌رحمی، خشونت و سوءاستفاده ظالمانه از قدرت. در نخستین مقاله، «تبرئه ناخدا جانستون»^۳ که به «قتل بی‌رحمانه سه ملوان تحت فرمان خود در بازگشت از چین» محکوم شده بود، به فضیلت ناکارآمد هیئت منصفه و قضات می‌پردازند، همین کار را در چند مقاله دیگر نیز انجام می‌دهند.^۴ «خودکشی سارا براون»^۵ موضوع مردانی را برجسته می‌کند که قانون را زیر پا می‌گذارند و به علت تعصب قضات و هیئت منصفه از مجازات معاف می‌شوند (در این پرونده، موضوع اجازه‌دادن به مادر برای دسترسی به فرزند نامشروعش در موارد دیگر درباره خشونت خانگی).^۶ این مقالات درگیری عمیق ذهنی تیلور میل را با ویدادهای جاری و خشمش را نسبت به بیداد نظام حقوقی و بی‌توجهی آشکار اغلب مردم (یا دست‌کم اغلب مردان) نسبت به بی‌رحمی و سوءاستفاده از قدرت نشان می‌دهد (خصوصاً در برابر کسانی که جامعه آن‌ها را در موقعیت ضعیف‌تر قرار داده است، از کارگران گرفته تا زنان و از بچه‌ها گرفته تا حیوانات).

تیلور میل و میل در تمام عمر از دوره‌های بیماری رنج می‌بردند. مانند

۱. همان، ۲۵۷.

2. The Morning Chronicle

3. The Acquittal of Captain Johnstone

۴. تیلور میل و میل، «تبرئه ناخدا جانستون»، ۶-۸۶۵.

5. The Suicide of Sarah Brown

۶. تیلور میل و میل، «خودکشی سارا براون» ۱۹-۹۱۶.

بسیاری از افراد طبقه متوسط و بالای آن زمان، برای بازیابی سلامت خود معمولاً به ساحل یا نواحی گرم‌تر اروپا می‌رفتند. تیلور میل در سال ۱۸۴۹، به استراحتگاه ساحلی پائو^۱ در پیرنه فرانسه رفت که پس از آنکه پزشک اسکاتلندی آلکساندر تیلور^۲ (نسبتی با تیلور نداشت) رفتن به آنجا را برای درمان «افسردگی زمستانی» و بیماری تنفسی به بیمارانش توصیه کرد بیش‌ازپیش محبوب شده بود.

تیلور میل پیش از رفتن به پائو نگران سلامتی همسرش بود و برای مراقبت و بهبودی‌اش توصیه‌هایی به او کرد.^۳ همسرش سراسر بهار از وضعیت جسمی خود خبرهای بدی می‌فرستاد.^۴ تیلور میل بین بازگشت به لندن «به این امید که برای همسرش کاری انجام دهد» و این احساس که وظیفه اوست که نزد میل در پائو بماند، مردد بود. در طول زمستان، میل تقریباً بینایی‌اش را از دست داده بود و پزشکان برای مداوا استراحت کامل در آب‌وهوای سالم‌تری را تجویز کرده بودند. تیلور میل تصمیم می‌گیرد در پائو بماند و یک ماهی از میل مراقبت کند.

تیلور میل در بازگشت متوجه می‌شود بیماری تیلور را سرطان تشخیص داده‌اند. برای پرستاری از شوهرش نزد او می‌رود و نظر متخصصان دیگر و درمان‌های تازه را امتحان می‌کند، اما درنهایت توفیقی حاصل نمی‌شود. جان تیلور ۱۸ جولای ۱۸۴۹ از دنیا می‌رود.

تیلور میل در دوران سوگواری روی کتاب حق رأی زنان کار می‌کند. میل می‌دانست که هریت «سرحال نیست» برای همین آگهی یک گردهمایی مربوط به سازمان‌های حق رأی آمریکایی را برایش فرستاد (که از قرار معلوم کتاب حق رأی زنان نقدی بر آن است) و امید داشت این موضوع خوشحالش

1. pau

2. Alexander Taylor

۳. تیلور میل، مجموعه آثار، ۹۰-۴۸۹، ۴۹۵.

۴. همان، ۵۰۱.

۵. همان، خوشبختانه از دست رفتن بینایی میل موقتی بود.

کند.^۱ حق رأی زنان نه تنها اکثر اهداف سازمان‌های آمریکایی حق رأی، بلکه شیوه سازماندهی و هدایت به دست خود زنان را نیز تحسین می‌کند. کتاب مباحث رادیکالی را در بر می‌گیرد، اینکه زنان هم حق دارند رأی بدهند و هم استحقاقش را دارند. هرچند، کتاب بدون آوردن نام نویسنده منتشر می‌شود، اما به نظر می‌رسد تا حدودی همه خبر داشته‌اند که تیلور میل آن را نوشته است (با قدری مشارکت میل).^۲

میل و تیلور میل به‌رغم انتقاد به ازدواج به‌مثابه یک نهاد، ۲۱ آوریل ۱۸۵۱ ازدواج می‌کنند. دو فرزند جوان‌تر تیلور میل شاهد ازدواجشان بودند که نشان می‌دهد خانواده درجه یک تیلور میل با تصمیم او موافق بوده‌اند، گرچه خانواده میل نه. (به‌خصوص برادر میل شگفت‌زده بود که تیلور میل بار دیگر وارد نهادی شده که به‌شدت نکوهشش می‌کرد).^۳ میل تمام تلاشش را می‌کند تا به‌طور قانونی خود را از اختیاراتی محروم کند که در ازدواج و به‌واسطه ازدواج به شوهران داده می‌شود، با این وجود از این پیوند خشنود است. در چند نامه تیلور میل را «همسر عزیزم» خطاب می‌کند.^۴ به خانه‌ای در بلک‌هیت^۵ کنت^۶ نقل مکان می‌کنند.

در دهه ۱۸۵۰، بیماری تیلور میل و میل شدت می‌گیرد. در زمستان ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴ از حملات بیماری وخیم ناشی از سل^۷ عذاب هستند و بیماری آن‌ها را برمی‌انگیزد تا فهرستی از موضوعاتی را آماده کنند که مایل‌اند پیش از مرگ نظر خود را درباره‌شان بنویسند؛ مانند: «تفاوت‌های شخصیتی (ملیت، نژاد، سن، جنس، فطرت)، عشق، آموزش سلائق، دین در آینده [دین آینده/دین انسانیت]، افلاطون، افترا، بنیان اخلاقیات، فایده‌مندی دین، سوسیالیسم،

۱. میل، نامه ۳۰، خطاب به تیلور میل، پس از ۲۹ اکتبر ۱۸۵۰، CWXIV، ۴۹.

۲. در فصل ۵ بیشتر به موضوع مشارکت میل می‌پردازم.

۳. بنگرید به هایک، جان استوارت میل و هریت تیلور، ۱۷۹. وقتی مادر میل و خواهران مجرد او از نامزدی میل باخبر شدند در آغاز به دیدارشان نرفتند. دلایل ایشان روشن نیست، اما ظاهراً این کار آن‌ها اهانت بوده است، چون میل هرگز آن‌ها را نبخشد.

۴. میل، بیانیه درباب ازدواج، ۹۹؛ میل، نامه ۱۰۲، خطاب به تیلور میل، ۲۹ آگوست ۱۸۵۳، CWXIV، ۱۱۱.

۵. CWXIV، ۱۱۰؛ میل، نامه ۱۰۳، خطاب به تیلور میل، ۳۰ آگوست ۱۸۵۳، CWXIV، ۱۱۱.

5. Blackheath

6. Kent

آزادی، اصلی که علیت اراده است... خانواده و حقوق قراردادی»^۱. روشن نیست که بلافاصله چقدر روی این موضوعات کار کرده‌اند. ظاهراً اصلاً روی برخی کار نکرده یا دست‌کم نوشته‌ای از آن باقی نمانده است. در جستارهایی که پس از مرگ میل منتشر می‌شود به تعدادی اشاره شده است (مانند دین انسانیت، فایده‌مندی دین و سوسیالیسم)، چندان روشن نیست که میل چه زمانی کار بر روی آن‌ها را آغاز می‌کند. سال ۱۸۶۶ نقدی بر افلاطون جرج گروت^۲ می‌نویسد.^۳ (در سال ۱۸۴۰ روی دو کتاب درباره افلاطون کار کرده بود).^۴ احتمالاً فایده‌گرایی^۵ (۱۸۶۱) نیز حاصل تمایل او به نوشتن در باب «بنیان اخلاقیات» باشد. در کتاب انقیاد زنان^۶ دست‌کم تا اندازه‌ای به موضوع «خانواده» می‌پردازد که در سال ۱۸۶۹ چاپ می‌شود، اما نخست آن را در سال ۱۸۶۰ نوشته شده بود.^۷

از تمام موضوعات پیشنهادی، آزادی بیش از همه به میل مربوط است. در زمستان ۴۵-۱۸۴۵ میل، دست‌موضوعیت سلامتی‌اش، سفری طولانی به ایتالیا را آغاز می‌کند و آنجا ترغیب می‌شود تا بار دیگر بر جستارهایی که بعد به درباره آزادی تبدیل می‌شوند کار کند.^۸ به یاد می‌آید که در بازگشت، او و تیلور میل روی دست‌نویس کار کرده‌اند و مانند نویسنده‌های همکار با هم‌اندیشی تک‌تک جمله‌ها را نوشته‌اند.^۹ وقتی در پاییز سال ۱۸۵۸ به اتفاق سفر به نواحی گرم‌تر را آغاز می‌کنند دست‌نویس همراهشان است. متأسفانه در اوینگتون^{۱۰}،

۱. میل، نامه ۱۲۶، خطاب به تیلور میل، ۷ فوریه ۱۸۵۴، CWXIV، ۱۵۲.

2. George Grote (1794-1871)

تاریخ‌نگار و سیاستمدار بریتانیایی، م.

۳. میل، افلاطون گروت، ۳۷۵-۴۴۰.

۴. میل، دو کتاب در باب افلاطون، ۲۳۹-۴۳.

Two Publications on Plato

5. Utilitarianism

6. Subjection of Women

۷. بنگرید به کالینی، «مقدمه»، xxxii.

Collini, 'Introduction'

۸. میل، نامه ۲۱۳، خطاب به تیلور میل، ۱۵ ژانویه ۱۸۵۵، CWXIV، ۲۹۴.

۹. میل، زندگینامه خودنوشت، ۲۵۷-۹.

10. Avignon

خونریزی شدید تیلور میل از پا در می آورد و در ۳ نوامبر ۱۸۵۸ از دنیا می رود. درباره آزادی در فوریه ۱۸۵۹ منتشر می شود. در تقدیم نامه کتاب می خوانیم: این کتاب را تقدیم می کنم به خاطره عزیز و اندوهبار او که مشوق و تا اندازه ای نویسنده بهترین بخش نوشته هایم بود، دوست و همسر که درک فوق العاده اش از حقیقت و راستی نیرومندترین انگیزه، و رضایتش با ارزش ترین پاداشم بود. مانند تمام چیزهایی که سال های بسیار نوشته ام این کتاب هم به همان اندازه که متعلق به من است به او نیز تعلق دارد.^۱

تیلور میل را در اوینگتون زیر سنگ قبری مرمرین که میل مخصوصاً وارد کرده بود دفن می کنند. میل در نزدیکی گورستان خانه ای می خرد و چند ماه در سال را آنجا به سر می برد، حتی زمانی که نماینده مجلس است (۸-۱۸۶۵). میل ۷ می ۱۸۷۳ از دنیا می رود و در همان گور به خاک سپرده می شود. تعدادی از مشهورترین آثار میل (از جمله فایده گرایی، انقیاد زنان و ملاحظات در باب دولت) طی یک دهه پس از مرگ تیلور میل منتشر شدند. گرچه، درک درست رابطه نزدیک و مبتنی بر تعامل آن دو (به ویژه، مکالمات طولانی و ژرف آنها در هر یک از تمام دوران بزرگسالی شان) بدان معناست که ما باید سهم تیلور میل را حتی در کتاب هایی که پس از مرگش منتشر شدند، به رسمیت بشناسیم. (این امر زندگینامه خودنوشت^۲ میل را هم در بر می گیرد که پس از مرگ هر دویشان منتشر شد.)

برخی از هم عصران، بر نقش تیلور میل در زندگی و کار میل اذعان داشته اند. سوگنامه هایی که در آنها به این حقیقت اشاره شده که میل «در بیش از بیست سال... از استعدادهای او [تیلور میل] بهره جسته است و همدلی او در تمام کارهایی که انجام داد مشوقش بود»؛ و پس از ازدواج «یک فیلسوف هرگز همراهی فداکارتر یا جذاب تر از او نمی یابد»؛ و «تیلور میل

۱. میل، درباره آزادی، ۲۱۶.

2. Considerations on Representative Government
3. Autobiography

حتماً از موهبت نادرترین نیروهای اخلاقی و همدلی خردورزانه بهره‌مند بوده است، زیرا او در میل تحسینی به همان اندازه پرشور و ناب را بیدار کرد.^۱ اما طی سالیان سهم او در اندیشه سیاسی رو به فراموشی گذاشت (همان‌گونه که اغلب در مورد زنان نویسنده به همین صورت است)، و نقش او در آثار «میل» انکار شد، دست‌کم گرفته شد یا کم‌اهمیت جلوه داده شد. او به اشکال گوناگون خودبزرگ‌بینی مغرور، «الهه» خودگماشته‌ای که خواهان ستایش و بیعت است و زنی روان‌رنجور که ذهنش درگیر خشونت است توصیف می‌شد.^۲

به نظر می‌رسد اجماع عمومی (عموماً از سوی نویسندگان مرد، اما ابداً به آن‌ها منحصر نمی‌شود) بدین صورت بوده است که خود تیلور میل و میل در مورد توانایی‌ها و سهم تیلور میل بسیار اغراق کرده‌اند و می‌توان با اطمینان او را روانه نهادن تاریخ کرد؛ لغزشی نسبتاً شرم‌آور از سوی میل، که دید روشن او دست‌کم تا حدی از عشق کور شده بود.^۳

در سال‌های اخیر، کوشش‌هایی صورت گرفته است تا بار دیگر تیلور میل را در جایگاه متفکری مستقل و به‌عنوان نویسنده همکار همسر دوم مشهورش ارزیابی کنند.^۴ این کار در سال ۱۹۵۱ با فردریش هاک و کتاب او با عنوان جان استوارت میل و هریت تیلور میل: دوستی و ازدواج آغاز شد، به تدریج در سال ۱۹۷۰ با گردآوری جستارهایی در باب برابری جنسی^۵ به قلم میل و

۱. بنگرید به جاکوبز، «سرنوشت زنان بالاستعداد دشوار است»، ۶۲-۱۳۲.

The Lot of Gifted Ladies Is Hard

۲. بنگرید به مک‌کیب، جان استوارت میل، سوسیالیست، ۵۵-۲۴۹.

McCabe, John Stuart Mill, Socialist

۳. برای نمونه بنگرید به کریسپ، راهنمای فلسفه‌ی راتلج میل در باب فایده‌گرایی، ۵.

Crisp, Routledge Philosophy Guidebook to Mill on Utilitarianism.

۴. در اینبار بنگرید به فیلیپس، «خاطره‌ی عزیز و اندوه‌بار هریت تیلور میل»، ۴۲-۶۲۶.

Philips, "The Beloved and Deplored Memory of Harriet Taylor Mill"

5. Friedrich von Hayek (1899-1992)

اقتصاددان و فیلسوف سیاسی اتریشی - بریتانیایی/م

6. John Stuart Mill and Harriet Taylor: Their Friendship and Subsequent Marriage

7. Essays on Sex Equality

تیلور میل توسط آلیس رُسی^۱ تکمیل می‌شود و در سال ۱۹۹۸ با اثر جویالین جاکوبز^۲ با عنوان مجموعه آثار هریت تیلور میل بسیار وسعت می‌یابد. در سال ۲۰۰۲، نام تیلور میل در فرهنگ جامع فلسفه استنفورد^۳ وارد می‌شود،^۴ و به‌عنوان یکی از ملکه‌های فیلسوف^۵ در کتابی با همین عنوان در سال ۲۰۲۰ می‌آید.^۶ در ادامه این کتابِ مقدماتی، برخی از درون‌مایه‌های اصلی کار او را بررسی خواهیم کرد.

www.ketab.ir

1. Alice Rossi (1922-2009)

فمینیست و جامعه‌شناس برجسته آمریکایی/م

2. Jo-Ellen Jacobs (1952-)

3. The Stanford Encyclopaedia of Philosophy

۴. بنگرید به میلر، «هریت تیلور».

5. Philosopher Queens

۶. بنگرید به مک‌کیب، «هریت تیلور» در ملکه‌های فیلسوف.